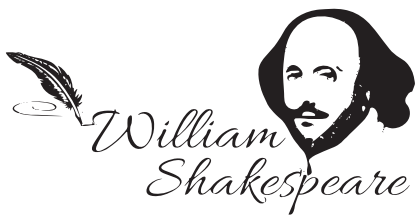




آنتونی و کلئوپاترا

© (دو زبانہ) ©


William
Shakespeare

درباره کتاب

آنتونی و کلنوپاترا یکی از دو تراژدی جاودانه ویلیام شکسپیر است که با تاریخ روم ارتباط پیدا می‌کند. این نمایشنامه ظاهراً در سال ۱۶۰۶ یا ۱۶۰۷ نگاشته شد، که درحقیقت مکمل نمایشنامه ژولیوس سزار است.

درون‌مایه این نمایش براساس ترجمه انگلیسی سر توماس نورث از کتاب معروف پلوتارک است که با زبان شاعرانه و سحرانگیز شکسپیر به داستانی نو تبدیل گردیده و از آنتونی، سردار نام‌آور رومی، و کلنوپاترا، ملکه زیبا و اغواگر مصری، عاشقانی تا گذر از جان دل‌داده و وفادار ساخته است.

شکسپیر در توصیف ویژگی‌های آنتونی و کلنوپاترا مایه‌های عاشقانه آن‌چنان تأثیرگذاری خلق کرده است که خواننده یا بیننده این نمایش پیش از آنکه در فرازونشیب زندگی این دو توقف کند، مقتون عاشقی‌های آن‌ها به یکدیگر می‌شود و آن‌ها را در زمره عاشقان جاودانه به خاطر می‌سپارد. آنتونی و کلنوپاترا صرف‌نظر از همه افت‌وخیزها، داستان شکوه و تعالی عشق است و نیروی سحرانگیز و شگفتی‌آفرین عشق و عاشقی. داستانی ماندگار که عصرها و نسل‌ها را شیفته خود خواهد کرد.

درباره مؤلف

ویلیام شکسپیر (۱۵۶۴-۱۶۱۶) شاعر، نمایشنامه‌نویس و بازیگر تئاتر انگلیسی‌ست که بسیاری وی را بزرگ‌ترین نویسنده در زبان انگلیسی دانسته‌اند. شکسپیر در واریک‌شر متولد و بزرگ شد. در هجده‌سالگی ازدواج کرد و صاحب سه فرزند شد. از زندگی خصوصی او اطلاع چندانی در دست نیست. ۳۷ نمایش، ۱۵۴ غزل و چند قطعه شعر از شکسپیر باقی مانده است. آثار شکسپیر به همه زبان‌های دنیا ترجمه شده و نمایشنامه‌های او به‌کرات و توسط بازیگران برجسته اجرا گردیده‌اند.

درباره مترجم

مهدی سجودی مقدم، متولد ۱۳۴۰، دانش‌آموخته ادبیات انگلیسی از دانشگاه تهران است. شور عشق، دفترچه خاطرات، عشق آهسته می‌آید؛ بلندی‌های بادگیر؛ زینتی دشت؛ کتاب‌خوان؛ خنده در تاریکی؛ لطفاً مراقب مامان باشید؛ گنبدی بزرگ؛ دورشده؛ مکبث؛ شاه لیر؛ رومئو و ژولیت؛ همین کتاب و ۴۴ عنوان کتاب‌های کمک‌پیران ازجمله کتاب‌های ترجمه وی هستند. (آثار شکسپیر به‌تدریج توسط ایشان ترجمه و منتشر خواهند شد.)



کتاب‌های چشم در برابر چشم؛ فصل سبز رستن؛ یک‌عالمه حرف برای تو؛ روی‌شانه‌های شب؛ دیوان حافظ، رودرو با لسان‌الغیب، تفالی نو بر غزلیات حافظ شیراز؛ نجوای نگاه (مجموعه شعر)؛ دل‌تنگ و بی‌قرار (مجموعه شعر) و زیر پلک‌های عشق (مجموعه شعر) توسط او نوشته شده‌اند.

درباره نویسندگان ژرف‌نگری

دکتر علی خزاعی‌فر، متولد ۱۳۳۶، مشهد، دارای لیسانس ادبیات انگلیسی از دانشگاه فردوسی، فوق‌لیسانس آموزش زبان از دانشگاه تربیت مدرس، و دکتری زبان‌شناسی از دانشگاه منچستر (یومیسیت) با گرایش ترجمه است. دکتر خزاعی‌فر استاد بازنشسته دانشگاه فردوسی مشهد، از سال ۱۳۷۰ صاحب امتیاز و سردبیر مجله مترجم است.

میرمحمد غمرانی، متولد ۱۳۳۵، مترجم رسمی مرکز ایبسن‌شناسی دانشگاه اسلو، مترجم ۱۲ نمایشنامه مدرن ایبسن و نمایشنامه‌های دیگر است، او همچنین صاحب برخی آثار تألیفی‌ست.



آنتونی و کلوپاترا

(دوزبانه)

ویلیام شکسپیر

ویراستاران متن انگلیسی: باربارا ای. مُوات و پُل وِرسْتین

مایکل پوسْتِن و رِیکا نایِلز

فُلجر شکسپیر لایبرری

ترجمه همراه با تفسیر:

مهدی سجودی مقدم

ژرف‌نگری‌های نمایش:

دکتر علی خزاعی‌فر و میرمجید عُمرانی





شکسپیر، ویلیام، ۱۵۶۴-۱۶۱۶ م. Shakespeare, William

آنتونی و کلئوپاترا/ ویلیام شکسپیر: ترجمه همراه با تفسیر مهدی سجودی مقدم. تهران: مهراندیش، ۱۴۰۴.

۵۸۴ ص. شابک: ۰ - ۵۷ - ۸۱۵۸ - ۶۲۲ - ۹۷۸

نگاهنامه انگلیسی -- قرن ۱۶ م. -- تاریخ و نقد

۱۰۲۹۶۶۶ PR ۸۲۲/۳۳



در این کتاب از «نشانه درنگ» که با علامت «ا» مشخص می‌شود، استفاده شده است.
«نشانه درنگ» نویسنده مناسبی است که به جای ویرگول نابجا می‌نشیند و بسیاری
از دشواری‌های خواندن درست متن فارسی را نیز برطرف می‌کند.



آنتونی و کلئوپاترا (دوزبانه)

- ویلیام شکسپیر.
- ترجمه همراه با تفسیر: مهدی سجودی مقدم.
- ژرف‌نگری نمایش: دکتر علی خزاعی‌فر و میرمجید عمرانی.
- مدیرهنری: پیمان صفائی تهرانی.
- گرافیک: سمیه مددی.
- چاپ اول: تهران، ۱۴۰۵، شماره نشر ۴۲۶.
- چاپ: قشقایی. ۵۰۰ نسخه.
- شابک: ۰ - ۵۷ - ۸۱۵۸ - ۶۲۲ - ۹۷۸.
- قیمت: تومان.



همچنین اجرای زنده یا آنلاین مشروط
به کسب اجازه کتبی از ناشر است.

هرگونه خلاصه‌نویسی، تکثیر و یا تولید
مجدد این کتاب، به‌صورت کامل و یا بخشی
از آن، اعم از چاپ، کپی، فایل صوتی یا
الکترونیکی بدون اجازه کتبی ناشر ممنوع و
موجب پیگرد قانونی است.

انتشارات مهراندیش

خیابان فلسطین شمالی، بعد از خیابان بزرگمهر، نرسیده به خیابان انقلاب،
بن‌بست نیلوفر، شماره ۱، واحد یک. کدپستی: ۱۴۱۶۹۳۴۱۱۳
تلفن: ۰۲۱ - ۶۶۴۸۹۳۶۵ همراه: ۰۹۱۲ ۵۵۹ ۱۶۰۲

www.mehrandishbooks.com

www.mehrandishbook.com

mehrandish@gmail.com

f mehrandishnashr

ig mehrandishbooks

@mehrandishbooks



فهرست

۹.....	توضیح ناشر
۱۱.....	دیباچه مترجم

پرده یک ۲۴

ACT 1	25
۲۶.....	صحنه ۱.....
Scene 1	27
۳۶.....	صحنه ۲.....
Scene 2	37
۶۲.....	صحنه ۳.....
Scene 3	63
۷۸.....	صحنه ۴.....
Scene 4	79
۹۰.....	صحنه ۵.....
Scene 5	91

پرده دو ۱۰۲

ACT 2	103
۱۰۴.....	صحنه ۱.....
Scene 1	105
۱۱۲.....	صحنه ۲.....
Scene 2	113
144.....	صحنه ۳.....
Scene 3	145
۱۵۲.....	صحنه ۴.....
Scene 4	153

١٥٦.....	صحنه٥
Scene 5	157
١٧٤.....	صحنه٦
Scene 6	175
١٩٢.....	صحنه٧
Scene 7	193
٢١٢.....	پرده٥ سه
ACT 3.....	213
٢١٤.....	صحنه١
Scene 1	215
٢٢٠.....	صحنه٢
Scene 2	221
٢٣٢.....	صحنه٣
Scene 3	233
٢٤٠.....	صحنه٤
Scene 4	241
٢٤٦.....	صحنه٥
Scene 5	247
٢٥٢.....	صحنه٦
Scene 6	253
٢٦٦.....	صحنه٧
Scene 7	267
٢٧٨.....	صحنه٨
Scene 8	279
٢٨٠.....	صحنه٩
Scene 9	281

۲۸۲.....	صحنه ۱۰.....
Scene 10	283
۲۹۰.....	صحنه ۱۱.....
Scene 11	291
۳۰۲.....	صحنه ۱۲.....
303.....	Scene 12
۳۰۸.....	صحنه ۱۳.....
Scene 13	309
۳۳۸.....	پرده چهارم.....
ACT 4.....	339
۳۴۰.....	صحنه ۱.....
Scene 1	341
۳۴۴.....	صحنه ۲.....
Scene 2	345
۳۵۲.....	صحنه ۳.....
Scene 3	353
۳۵۸.....	صحنه ۴.....
Scene 4	359
۳۶۶.....	صحنه ۵.....
Scene 5	367
۳۷۰.....	صحنه ۶.....
Scene 6	371
۳۷۸.....	صحنه ۷.....
Scene 7	379
۳۸۲.....	صحنه ۸.....

Scene 8	383
۳۹۰	صحنه ۹
Scene 9	391
۳۹۶	صحنه ۱۰
Scene 10	397
۳۹۸	صحنه ۱۱
Scene 11	399
۴۰۰	صحنه ۱۲
Scene 12	401
۴۰۸	صحنه ۱۳
Scene 13	409
۴۱۲	صحنه ۱۴
Scene 14	413
۴۳۲	صحنه ۱۵
Scene 15	433
۴۴۶	پرده پنج
ACT 5	447
۴۴۸	صحنه ۱
Scene 1	449
۴۶۰	صحنه ۲
Scene 2	461
۵۱۱	ژرف‌نگری آنتونی و کلئوپاترا
۵۱۱	عشق چه کارها که نمی‌کند (میرمجید عمرانی)
۵۵۷	تقابل شرق و غرب (علی خزائی)
۵۷۳	منابع

توضیح ناشر

بسیار خرسندیم که به تدریج ترجمه آثار گران قدر ویلیام شکسپیر را برای نخستین بار به صورت دوزبانه، و بر پایه معتبرترین متون اصلی، در دسترس علاقه‌مندان قرار می‌دهیم. این مجموعه به گونه‌ای طراحی شده است که هم دوست‌داران ادبیات و هم پژوهشگران و دانشجویان بتوانند از آن بهره‌مند شوند.

- مهم‌ترین اهداف ما در ترجمه و انتشار این مجموعه بدین شرح است:
۱. ترجمه و انتشار آثار شکسپیر به صورت دوزبانه، براساس منابع اصلی و نه برگردان از زبان‌های واسطه (مانند فرانسه یا عربی).
 ۲. حفظ ساختار سطر بندی متن اصلی انگلیسی و ارائه ترجمه سطر به سطر فارسی، به گونه‌ای که امکان مقایسه دقیق و استفاده دانشگاهی فراهم باشد.
 ۳. بهره‌گیری از معتبرترین نسخه‌های ویراسته انگلیسی به عنوان مبنای کار.
 ۴. نگارش ترجمه با سطحی از زبان فارسی، نزدیک به حال و هوای متن اصلی و در عین حال قابل فهم برای خواننده امروزی.

۵. افزودن پاورقی‌های توضیحی و تفسیری (همه به قلم مترجم) همراه با بخشی ویژه برای ژرف‌نگری و واکاوی نمایشنامه.
۶. انتقال توضیحات پایانی (پی‌نوشت‌ها) به پاورقی در همان صفحات فارسی و انگلیسی؛ روشی نو در صفحه‌آرایی که تاکنون در هیچ کتابی به کار نرفته است.
۷. یک‌دست‌سازی و ویراستاری نهایی ترجمه‌ای فارسی مطابق با شیوه‌نامه فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی و آراء اساتید برجسته این حوزه.
- افزون بر انتشار تک‌تک نمایشنامه‌ها در مجلدات جداگانه، بنا داریم که آثار شکسپیر در چند جلد جامع نیز منتشر شود. بدین ترتیب، برای نخستین بار در زبان فارسی، مجموعه کامل و دوزبانه آثار شکسپیر در دسترس علاقه‌مندان قرار خواهد گرفت.
- امیدواریم با یاری نظرها و پیشنهادهای علاقه‌مندان و صاحب‌نظران، این مجموعه هرچه کامل‌تر و سودمندتر عرضه شود.
- ⑤ انتشارات مهراندیش

دیباجه مترجم

آنتونی و کلوپاترایکی از دو تراژدی جاودانه ویلیام شکسپیر است که با تاریخ روم ارتباط پیدا می‌کند. این نمایشنامه ظاهراً در سال ۱۶۰۶ یا ۱۶۰۷ نگاشته شد، که درحقیقت مکمل نمایشنامه ژولیوس سزار است، و برای نخستین بار در سال ۱۶۰۷ توسط کمپانی کینگز مین^۱ در تماشخانه بِلک فرایرز^۲ یا تماشخانه گلوب^۳ به اجرا درآمد. نخستین چاپ آن نیز در سال ۱۶۲۳ در فولیوی یکم^۴ با نام تراژدی آنتونی و کلوپاترا انجام گرفت.

درون‌مایه این نمایش براساس ترجمه انگلیسی سِر توماس نورث^۵ از کتاب معروف پلوتارک^۶ به نام زندگی‌های متوازی یونان و روم^۷ است که با زبان

1. King's Men.

2. Blackfriars Theatre.

3. Globe Theatre.

۴. *First Folio*، مجموعه نمایشنامه‌ای از ویلیام شکسپیر که در سال ۱۶۱۳ توسط جان همینگز و هنری کاندل منتشر شد.

۵. Sir Thomas North، (۱۶۰۴-۱۵۳۵) مترجم، افسر ارتش و وکیل انگلیسی.

۶. Plutarch، پلوتارک یا پلوتارخوس (حدود ۴۶-۱۲۷ میلادی) از تاریخ‌نگاران و زندگی‌نامه‌نویسان یونان باستان.

۷. *Parallel Lives*، مشهورترین کتاب پلوتارک که شرح‌حال ۴۴ تن از مردان برجسته یونانی و رومی است. این کتاب با نام حیات مردان نامی با ترجمه رضا مشایخی در سال ۱۳۳۸ توسط نگاه ترجمه و نشر کتاب در چهار جلد منتشر گردیده است.

شاعرانه و سحرانگیز شکسپیر به داستانی نو تبدیل گردیده و از آنتونی، سردار نام‌آور رومی، و کلئوپاترا، ملکه زیبا و اغواگر مصری، عاشقانی تا گذر از جان دل‌داده و وفادار ساخته است.

بسیاری کلئوپاترای شکسپیر را یکی از پیچیده‌ترین شخصیت‌های زن در مجموعه آثار شکسپیر می‌دانند، همچنین است شخصیت آنتونی که هرچند پلوتارکِ نورث او را فردی جاه‌طلب، خودبین، هرزه، ... و خشن توصیف می‌کند، اما در عین حال تصدیق می‌نماید که او سرداری بسیار شجاع، جنگاور و مقتدر بوده و در رفتارش همواره نوعی جوانمردی، رأفت و شرافت وجود داشته است.

با چنین اوصافی طبقه‌بندی آنتونی و کلئوپاترا در یک ژانرِ بخصوص اندکی دشوار است، نه نمایشنامه‌ای یک‌دست تاریخی‌ست، نه کاملاً تراژدی، نه کمدی و نه نمایشنامه‌ای کاملاً عاشقانه.

شکسپیر در طول نمایشنامه، در توصیف ویژگی‌ها و خصوصیاتِ هم آنتونی و هم کلئوپاترا، به گونه‌ای پیش رفته و مایه‌های عاشقانه‌ای چنان ژرف و تأثیرگذار خلق کرده است که خواننده یا بیننده این نمایش پیش از آنکه در فرازونشیب زندگی این دو توقف کند، مفتون عاشقی‌ها و تعلق‌خاطر آن‌ها به یکدیگر می‌شود و آن‌ها را در زمره عاشقان افسانه‌ای و جاودانه تاریخ به خاطر می‌سپارد.

آنتونی که به همراه اُکتاویوس سزار و لپیدوس یکی از فرمانروایان سه‌گانه روم است و بیشترِ دوره فرمانروایی‌اش را در شرق گذرانده، دل‌داده کلئوپاترا، ملکه زیبارو و بسیار فتنانِ مصر، می‌گردد. شدتِ دل‌دادگی و علاقه او به ملکه به قدری‌ست که تعلق‌خاطرش از روم و اداره امپراتوری را از یاد می‌برد و روزگارش را در کنار کلئوپاترا و عیش و عشرت با او می‌گذراند. قاصدانی از جانب سزار می‌رسند و به او از جنگ داخلی در ایتالیا، تبانیِ همسرش فولیو یا و برادرِ آنتونی علیه سزار و سپس درگذشتِ همسرش خبر می‌آورند. آنتونی،

دباجه مترجم/آنتونی و کلئوپاترا /۱۳

با شنیدن این اخبار، به ناچار تصمیم می‌گیرد به روم بازگردد. کلئوپاترا سعی می‌کند او را از بازگشت منصرف کند، اما موفق نمی‌شود. هرچند آنتونی به او اطمینان می‌دهد که به عشقش بسیار پایدار و وفادار خواهد ماند:

جدایی ما چنان ماندن و رفتنی ست
که تو، می‌مانی اینجا، هرچند می‌آیی با من،
و من، می‌روم از اینجا، و همچنان می‌مانم با تو.

در روم، پُمپنی آمادهٔ نبرد با فرمانروایی سه‌گانه است. بعد از گلایه‌های سزار از آنتونی در حضور لپیدوس، و اینکه او در وظایفش کوتاهی کرده، به این نتیجه می‌رسند که برای رویارویی با پُمپنی می‌باید اختلافات خود را کنار بگذارند و به منظور تحکیم این توافق قرار می‌شود آنتونی با خواهر سزار، اُکتاویا، ازدواج کند.

پُمپنی در مواجهه با آنتونی و با توجه به شأنی که برای آنتونی قاتل است، بدون اینکه جنگی پیش بیاید، به توافق می‌رسد. اما اختلافات میان آنتونی و سزار، به‌رغم ازدواج آنتونی با اُکتاویا و برخی وقایع دیگر، همچنان پابرجا می‌ماند و آنتونی از نو به مصر و نزد کلئوپاترا بازمی‌گردد و این بار به همراه کلئوپاترا به عنوان فرمانروای مصر و یک‌سوم شرقی روم تاج‌گذاری می‌کند.

اختلاف میان سزار و آنتونی بالا می‌گیرد و نبرد بسیار سختی میان آن‌ها در محلی به نام آکتیوم در می‌گیرد. کلئوپاترا ناوگان خود را برای کمک به آنتونی همراه می‌کند، اما در طول جنگ ناگهان از صحنه می‌گریزد. آنتونی نیز در همراهی با کلئوپاترا از او تبعیت می‌نماید و، در نهایت، در این نبرد شکست می‌خورد. آنتونی در پی شکست در جنگ، کلئوپاترا را به تبانی با سزار متهم می‌کند، و کلئوپاترا از بیم خشم آنتونی به آرامگاه مستحکمی که از پیش برای خودش ساخته، پناه می‌برد و به‌دروغ به آنتونی پیغام می‌فرستد که خود را کشته

است. آنتونی، خسته، شکست خورده و بی‌پناه، به قصد خودکشی، با شمشیرش به خود زخم می‌زند، اما نمی‌میرد. خودش را به آرامگاه می‌رساند و سر آخر در آغوش کلئوپاترا جان می‌سپارد.

کلئوپاترا نیز با مرگ آنتونی و اطلاع از تصمیم سزار در به اسارت گرفتن او و فرزندان، دست از زندگی می‌شوید و با نیش مهلک افعی نیل به زندگی خود پایان می‌دهد.

آنتونی و کلئوپاترا صحنه رویارویی و جدال عشق، عقل، شرافت و کیاست است. مجموعه‌ای شگفت‌انگیز از تقابل‌ها و تضادهای چالش‌برانگیز که در طول نمایشنامه پدیدار می‌گردد. رابطه آنتونی و کلئوپاترا از نگاهی 'هم شور و شهوت است و از نگاهی دیگر' عنصری متعالی از عشق و وفاداری. کلئوپاترا را 'هم می‌توان ملکه‌ای بسیار فریبا و قدرت‌طلب خواند و حتی خودکشی‌اش را گریز از اسارت و ناکامی در قدرت دانست و هم الهه عشق و دلدادگی. مارک آنتونی' هم سرداری دلاور و بسیار جنگنده است و هم عاشقی آن‌چنان دل‌داده که حتی وقتی به خبر ساختگی مرگ کلئوپاترا به نیت خودکشی بر خود زخم می‌زند، در دیدارش با کلئوپاترا و آخرین دقیق زندگی، جز سخن نیکوی عاشقانه به او نمی‌گوید. اُکتاویوس سزار را 'هم می‌توان فرمانروایی نجیب و دوراندیش تصور کرد که عمده دغدغه‌اش روم و اعتلای روم است و هم سیاست‌مداری بی‌رحم و بی‌عاطفه. ازسویی دیگر سراسر نمایش' تقابل روم است و مصر؛ غرب و شرق؛ عشق و شهوت؛ مردانگی و زنانگی.

خیانت و وفاداری در طول نمایشنامه موضوعی پرتکرار است. آنتونی در وظایفش نسبت به روم خیانت‌کار است و در عشقش به کلئوپاترا وفادار، همچنین است در مورد کلئوپاترا و برخی سرداران و همراهان آنتونی، کلئوپاترا یا سزار. جدال قدرت و تنازع برای استیلا و چیرگی در بستر رویدادهای نمایش رسوخ می‌کند و مرزهای قدرت سیاسی و قدرت جنسی را در هم می‌آمیزد، و به این منظور استفاده از زبان و بلاغت و آرایش‌های گفتاری، به‌خصوص

در گفت‌وگوهای آنتونی و کلئوپاترا، فراوان به چشم می‌خورد. سیطره بخت و سرنوشت و حضور طالع‌بین را نیز نباید از یاد برد که همچون بسیاری نمایشنامه‌های شکسپیر نوعی پیش‌آگاهی در متن نمایش و ذهن خواننده و بیننده بر جای می‌گذارد.

نقد و واکاوی آنتونی و کلئوپاترا را به ژرف‌نگری نمایش وامی‌گذارم که در انتهای همین کتاب، به قلم استوار و وزین جناب دکتر علی خزاعی‌فر، استاد دانشگاه فردوسی مشهد، و همچنین میرمجید عمرانی، مترجم رسمی نمایشنامه‌های هنریک ایبسن و مرکز ایبسن دانشگاه اُسلو، آمده است و در اینجا صرفاً به ذکر ویژگی‌های این ترجمه و آنچه می‌تواند این ترجمه را با سایر ترجمه‌ها متمایز نماید، اکتفا می‌کنم:

متنِ مبنایِ این ترجمه، متن انگلیسی فُلجر شکسپیر لایبرری^۱ است که از قوی‌ترین و معتبرترین مراکز شکسپیرشناسی جهان به حساب می‌آید.

سطربندی و قالب ترجمه دقیقاً مشابه متن انگلیسی بوده و، با اجتناب از ترجمه پاراگرافی، در مقابل هر سطر انگلیسی یک سطر فارسی قرار گرفته است. این شکل از ترجمه می‌تواند برای پژوهش‌های آکادمیک و علاقه‌مندانی که می‌خواهند متن انگلیسی هر سطر را بلافاصله مشاهده و مقایسه کنند، مورد استفاده قرار گیرد.

پی‌نویس‌های فراوان و نسبتاً مشروح نمایشنامه (که تماماً توسط مترجم و عموماً براساس کتاب‌های شرح و تفسیر شکسپیرشناسان بزرگ نوشته شده). برای نخستین بار با چیدمانی نوین در ذیل صفحات فارسی و انگلیسی آمده که کار مراجعه‌خوانندگان به آن‌ها را آسان می‌کند.

ترجمه شعرگونه و مقفای آن بخش‌های نمایشنامه که در متن اصلی نیز به صورت شعر آزاد باقافیه آمده است.

ژرف‌نگری نمایش^۱ نگاهی واکاوانه به بستر تاریخی نمایش، شخصیت‌ها،

درون‌مایه و لایه‌های پنهان آن دارد و خواننده را به معانی و مفاهیمی هدایت می‌کند که چه‌بسا از دید او پنهان مانده و یا کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند.

لازم است این توضیح مهم و ضروری را اضافه کنم که در علائم سجاوندی و نقطه‌گذاری ' حتی‌المقدور سعی شده است که مطابق متن اصلی انجام شود. ضمن اینکه علائم پایانی هر سطر بلااستثنا مطابق سطرهای انگلیسی‌ست.

در ترجمه این اثر جاودانه شکسپیر از بسیاری شرح و تفسیرها، که حاصل تلاش، دانش و پژوهش مفسرین آثار شکسپیر بوده است، بهره برده‌ام. تردید ندارم اگر آن منابع ارزشمند را در اختیار نداشتم، هرگز نمی‌توانستم از پس فهم و شرح لایه‌های پنهان و گران‌قدر گفت‌وگوها، جناس‌های دل‌نشین و تحسین‌برانگیز، بازی‌های ادیبانه با کلمات، وقایع نمایش و همچنین بینامتنیت نهفته غنی و ستودنی آن‌ها بریایم. همواره سعی کردم، با اختصاص بهترین ساعات روز، هرچقدر که لازم است، و گاهی ساعت‌ها، برای چند سطر و یا حتی کلمه و عبارتی چندسویه و ناروشن، صبور باشم، بیندیشم، جست‌وجو کنم، مشورت کنم، و تاجایی که رضایت کامل از ترجمه فراهم نشده، از آن عبور نکنم.

درخصوص نوع زبان فارسی ترجمه آثار شکسپیر لازم است این توضیح را اضافه کنم؛ زبان شکسپیر زبانی‌ست پریچ‌وخم، ادیبانه و بسیار مواقع شاعرانه، آمیخته با ایهام، استعاره، کنایات، ضرب‌المثل‌ها، اشارات معنایی، ظرافتی هوشمندانه در درونه زبان و در حال همان کهنگی نثر دوران الیزابت. تلاش من بر این بوده که از زبانی بینابینی استفاده کنم، زبانی که هم حتی‌المقدور به زبان شکسپیر نزدیک باشد و هم 'چندان از زبان امروزی فاصله نگیرد. زبانی که نه آن‌چنان کهنه باشد و نه کاملاً امروزی. پلی میان آنچه امروز در متون فاخر نوشتاری به کار می‌بریم و زبان آراسته،

پریپچ وخم و غالباً کهنه شکسپیر.

در پایان از همه همکاران یگانه و عزیزم بهاره و سمیه مددی، پیمانہ صفائی تهرانی و ابوالفضل محمدی که نهایت تلاش خود را در صفحه آرایی، بازخوانی، گرافیک، مدیریت هنری و نظارت چاپ این نمایش جاودانه به عمل آوردند، بسیار تشکر می کنم. تردید ندارم بدون وجود آن ها چاپ این کتاب با چنین مشخصاتی هرگز امکان پذیر نبود.

آنتونی و کلئوپاترا صرف نظر از همه فرازونشیب ها و همه افت و خیزها، داستان شکوه و تعالی عشق است و نیروی سحرانگیز و شگفتی آفرین عشق و عاشقی. آنتونی دل داده عشق ملکه ای شرقی تاج و تخت امپراتوری رومی خویش را رها می کند و مصر را قرین کلئوپاترا، همه فتح و پیروزی خود را در تصاحب او می داند و آنگاه که دنیا را خالی از او می یابد، جز مرگ راهی نمی گزیند. کلئوپاترا، ملکه زیبا، مقتدر و باکیاست مصری، نیز وقتی آنتونی خود را گشته می بیند، شیفته و سراپا عشق، در آرزوی دیدار مجدد با معشوق، به اشتیاق، تن به مرگ می سپارد و دست از زندگی بدون آنتونی، هرچند به غایت مجلل و شاهانه، می شوید. در لابه لای صحنه های آنتونی و کلئوپاترا، بیش از هرچیز، شکوه و تعالی عشق، جادوی دل دادگی و وفاداری و شور و شوق عاشقی را جست و جو باید کرد. داستان آنتونی و کلئوپاترا داستانی ست ماندگار که همچنان خوانده خواهد شد و عصرها و نسل ها را شیفته خود خواهد کرد.

⑤ مهدی سجودی مقدم

بهار ۱۴۰۴

آنتونی و کلئوپاترا

(دوزبانه)

 William
Shakespeare

اشخاصِ نمایش

آنتونی [آنتونیوس]، یکی از فرمانروایانِ سه‌گانهٔ روم^۱
کلئوپاترا، ملکهٔ مصر

اُکتاویوس سزار، یکی از فرمانروایانِ سه‌گانهٔ روم
اُکتاویا، خواهرِ سزار، بعدها همسرِ آنتونی
لِپیدوس، یکی از فرمانروایانِ سه‌گانهٔ روم

إنوباربوس، همچنین به نام دومیتئوس
همراهانِ آنتونی در مصر و سایر جاها:

وِنتیدئوس

سیلیوس

اِروس

کانیدئوس

اِسکاروس

دِرِستوس

دمیتریوس

فیلو

یک معلمِ مدرسه، فرستادهٔ آنتونی نزد سزار

خدمتکارانِ دربارِ کلئوپاترا

کارمین

آیریس

الاکیس

ماردیان، خواجه‌سرا

سلوکوس، خزانه‌دارِ کلئوپاترا

دیومِدِس

۱. حکومت سه‌نفره (تریوم‌ویرات) گونه‌ای رژیم سیاسی‌ست که توسط سه فرمانروا اداره می‌شود. در روم، در ابتدا، به‌شکل یک کمیسیون سه‌نفره بوده که نخستین بار در حدود سال ۲۹۰ تا ۲۸۷ پیش از میلاد ایجاد شد. معمولاً مورخان از عبارت تریوم‌ویرات دوم برای اشاره به حکومت سه‌نفره اکتاویوس، آنتونیوس و لپیدوس استفاده می‌کنند.

Characters in the Play

ANTONY, a triumvir of Rome

CLEOPATRA, Queen of Egypt

OCTAVIUS CAESAR, a triumvir of Rome

OCTAVIA, sister to Caesar, later wife to Antony

LEPIDUS, a triumvir of Rome

ENOBARBUS, also called **DOMITIUS**

Accompanying Antony in Egypt and elsewhere:

VENTIDIUS

SILIUS

EROS

CANIDIUS

SCARUS

DERCETUS

DEMETRIUS

PHILO

A SCHOOLMASTER, Antony's **AMBASSADOR** to Caesar

Serving in Cleopatra's court:

CHARMIAN

IRAS

ALEXAS

MARDIAN, a Eunuch

SELEUCUS, Cleopatra's treasurer

DIOMEDES

حامیان و همراهانِ سزار

مِکِنِس

اَگْرِیا

تُرُس

تِیدِیس

دولابِلا

گِلِس

پروکلیس

سِکُسْتِس پُمِلیس، همچنین به نام پُمپی

مِیس

مِکرِئُس

واریوس

قاصدان

سربازان

سرنگهبانان

نگهبانان

یک طالع‌بین

خدمتکاران

یک پسر

یک سرهنگ

یک مصری

یک هم‌وطن

ندیمه‌ها، خواجه‌سرایان، سرهنگان، افسران، سربازان، ملازمان، خدمتکاران
(لامیریوس، رانیوس، لوسیلیوس، اشخاصِ بی‌صدای نام‌گذاری شده در
صحنهٔ آغازین تا صحنهٔ ۲ از پردهٔ اول)

23 / Antony and Cleopatra / Characters in the Play

Supporting and accompanying Caesar:

MAECENAS

AGRIPPA

TAURUS

THIDIAS

DOLABELLA

GALLUS

PROCULEIUS

SEXTUS POMPEIUS, also called POMPEY

MENAS

MENECRATES

VARRIUS

MESSENGERS

SOLDIERS

SENTRIES

GUARDSMEN

A SOOTHSAYER

SERVANTS

A BOY

A CAPTAIN

AN EGYPTIAN

A COUNTRYMAN

Ladies, Eunuchs, Captains, Officers, Soldiers, Attendants,
Servants (Lamprius, Rannius, Lucillius; mute characters named
in the opening stage direction to 1.2)



پردہ یک





ACT 1



صحنه ۱۱

(دمتریوس و فیلو وارد می شوند.)

فیلو

نه خیر،^۲ اما این خرفتی عشق^۳ سپهسالار ما
از حد و اندازه بیرون شده است.^۴ آن چشمان شگرف او،
که بر فراز صفوف و لشکرهای جنگ
درخشیده است همچون مارس^۵ جوشن پوش، اینک برگشته، اینک چرخیده
[همه] توجه و سرسپردگی نگاهشان
به جانب چهره‌ای تیره‌گون.^۶ قلب سلحشور^۷ او،
که در کشاکش نبردهای سترگ گسسته است
حلقه‌های [جوشن] روی سینه‌اش را،^۸ هرچه خوشتن داری را کنار می‌گذارد^۹
و می‌شود دم و بادزنی

-
۱. صحنه ۱ اتفاقی در قصر کلئوپاترا، اسکندریه (Alexandria). در دربار مصر، همراهان آنتونی، فیلو و دمتریوس، از شیفتگی نابخردانه آنتونی در قبال کلئوپاترا گله می‌کنند. آنتونی که یکسره مشغول کلئوپاتراست، قاصدی را که از روم آمده، نمی‌پذیرد. کلئوپاترا، به طعنه و کنایه، او را به پذیرفتن قاصد ترغیب می‌کند، و اینکه شاید از طرف همسر تلخ‌زبان‌ش، فولویا، و یا سزار کم‌ریش باشد. آنتونی ۱ روم و همه زمین را در قبال عشقش به کلئوپاترا ناچیز و بی‌اهمیت می‌شمرد و از او می‌خواهد که فرصت را جز به عیش و نوش صرف نکنند.
 ۲. نمایشنامه با کلمه‌ای منفی شروع شده است، و به‌گونه‌ای چشم‌اندازی از یک تراژدی ترسیم می‌کند. («Nay») در بیوولف، نخستین حماسه شناخته‌شده اروپایی عموماً به معنای هان، آهان و ببین آمده است.
 ۳. Dotage، بیشتر به معنای پلاکت و کودنی ناشی از پیری و سال‌خوردگی است، و در اینجا، منظور فیلو، شیفتگی و دل‌باختگی‌ای است احمقانه و بدون تعقل.
 ۴. O'erflows، استعاره از طغیان سالانه رود نیل در مصر که از کناره‌هایش بیرون می‌زند.
 ۵. Mars، پسر یونو و ژوپیتر، شوهر بلونا، دومین خدای بزرگ از تثلیث رومی، در اساطیر روم، ایزد جنگ، پدر مردمان روم و نگهبان ارتش روم. مارس همتای آرس است، خدای جنگ یونانیان.

Scene 1

Enter Demetrius and Philo.

PHILO Nay, but this dotage of our general's
O'erflows the measure. Those his goodly eyes,
That o'er the files and musters of the war
Have glowed like plated Mars, now bend, now turn
The office and devotion of their view
Upon a tawny front. His captain's heart,
Which in the scuffles of great fights hath burst
The buckles on his breast, reneges all temper
And is become the bellows and the fan

-
۶. کلئوپاترا یونانی بود، اما عموماً با پوستی تیره معرفی می‌شود.
۷. استعارهٔ فیلو است که نشان می‌دهد قلبِ آنتونی که نماد عشق و عاطفه است، چگونه در هنگامهٔ کارزار، زره خویش را در شور و اشتیاق به جنگ و نبرد می‌شکافد.
۸. به معنای کنار گذاشتن و گذر از سختی فولادِ زرهی که بر تن می‌کرده هم تعبیر شده است.
۹. همچون خدمتکاری برای کلئوپاترا! اما اینکه فیلو لفظِ بادزن را به کار برده، آن هم درست در زمانی که خواجه‌سرایان 'ملکه را باد می‌زنند، چه بسا کنایه‌ای باشد به آنتونی که نه تنها جزو خدمتکارانِ اوست، بلکه کسی است همانند خواجه‌سرایان که توان معاشقه کردن را نیز ندارد!
از طرفی "دم" ابزاری است برای دمیدن در آتش، از جمله (استعاره‌گونه) آتشِ احساسات. اما به نظر می‌رسد در اینجا با کاربردِ پارادوکس استفاده شده است؛ از یک سو در آتش شور و شهوتِ کلئوپاترا می‌دمد، و از سوی دیگر شهوتِ او را فرومی‌نشانند. (... که شهوتِ کولی‌ای را فرو بنشانند.)

که شهوتِ کولی‌ای^۱ را فرو بنشانند.^۲

(صدای شیپور.^۳ آنتونی، کلئوپاترا، ندیمه‌ها، ملازمان، با
خواجه‌سرایان در حالی که او را باد می‌زنند، وارد می‌شوند.)

نگاه کن آنجا را، دارند می‌آیند.

خوب نگاه کن،^۴ و او را خواهی دید

آن رکنِ سه‌گانه گیتی^۵ که تبدیل شده است

به دلکِ فاحشه‌ای. ببین و تماشا کن.

اگر این به‌راستی عشق است، به من بگو چقدر.^۶

گدایی ست در آن عشق که بتواند به سنجش درآید.^۷

من حدومرزی را تعیین می‌کنم که تا کجا باید عشق ورزیده شوم.

پس لازم است که تو آسمان تازه‌ای بیابی،

و زمین تازه‌ای.^۸

کلئوپاترا

آنتونی

کلئوپاترا

آنتونی

(فاصدی وارد می‌شود.)

سرور گرامی‌ام، اخباری است از روم.

آزارم می‌دهد، مختصرش کن.

نه، بشنو آن‌ها را، آنتونی.

فاصدی

آنتونی

کلئوپاترا

۱. به معنای تحقیر استفاده شده و نه به معنای واقعی کلمه. این توضیح را باید اضافه کرد که در گذشته این تصور وجود داشته که کولی‌ها عموماً از مصر می‌آیند و به طالع‌بینی و رفتار مبتذل شهره بودند. و در قوانین قرون وسطای انگلستان کولی بودن جرم محسوب می‌شد. در سال ۱۵۷۰ در شهر باستانی یورک - که مدت ۲ سال پایتخت تمام سرزمین‌های امپراتوری روم بوده است - کولی‌ها، بدون هیچ دلیل مشخصی، به دار آویخته شدند.

۲. آغاز نمایش و گفت‌وگوی این دو همراه آنتونی به‌گونه‌ای شرح همه نمایشنامه است و آینه‌ای است برای آنچه شکسپیر بنا دارد در این نمایشنامه بازگو کند.

۳. شکسپیر در نمایشنامه‌ها، عموماً، ورود و خروج اشخاص مهم را با صدای شیپور اعلام می‌کند.

۴. درحالی‌که دمتریوس در کنار او ایستاده، تو گویی خطاب فیلو به تماشاگران است ... و اینکه چگونه یک انسان از اوج به حضیض سقوط می‌کند ...

To cool a gypsy's lust.

*Flourish. Enter Antony, Cleopatra, her Ladies,
the Train, with Eunuchs fanning her.*

Look where they come.

Take but good note, and you shall see in him
The triple pillar of the world transformed
Into a strumpet's fool. Behold and see.

CLEOPATRA If it be love indeed, tell me how much.

ANTONY There's beggary in the love that can be reckoned.

CLEOPATRA I'll set a bourn how far to be beloved.

ANTONY Then must thou needs find out new heaven,
new Earth.

Enter a Messenger.

MESSENGER News, my good lord, from Rome.

ANTONY Grates me, the sum.

CLEOPATRA Nay, hear them, Antony.

۵. اشاره به (دومین) گروه سه‌گانه فرمانروایان روم؛ اکتاویوس، آنتونیوس و لپیدوس. بخش عمده جهان شناخته‌شده در آن روزگار تحت اختیار روم بود.

۶. گفتهٔ کلئوپاترا به‌گونه‌ای رنگِ همان پیش‌زمینهٔ تعبیر فیلو (دلچسپی و فاحشه‌ای) را می‌گیرد. به‌ویژه آنکه گویی گفتهٔ کلئوپاترا عشق را در حد یک کالای کمیّ تنزل می‌دهد. در آغاز شاه لیر نیز لیر سؤال مشابهی از دخترانش می‌پرسد؛ «دخترانم ... می‌خواهیم بدانیم کدام یک از شما بیشتر دوستان دارد، تا ما بیشترین مرحمتِ خویش را از آن او کنیم»

۷. درواقع به سؤال کلئوپاترا پاسخ نمی‌دهد؛ می‌گوید عشق واقعی قابل سنجش و اندازه‌گیری نیست.

۸. پس تو باید مرزهای عشق مرا به زمین و آسمانی فراتر از آنچه هست گسترش دهی، عشق من به‌قدری بزرگ است که در حدود مرز این آسمان و زمین نمی‌گنجد. می‌تواند اشاره‌ای باشد به گفتاری مشابه در کتاب مقدس؛ «او ما، بنابر وعدهٔ او، آسمانی تازه و زمینی تازه را جست‌وجو خواهیم کرد.»

شاید فولویا^۱ خشمگین شده، یا کسی چه می‌داند
نکند سزار کم‌ریش^۲ فرستاده باشد
فرمان نافذش باشد به شما: «چنین کن، یا چنان کن؛
آن حکومت را در اختیار بگیر، و آن یکی را آزاد کن.
این فرمان را به جا آور، و الا مجازات می‌کنیم.»^۳

آنتونی
کلئوپاترا

چگونه، عشق من؟
شاید؟ نه، و به احتمال زیاد.
شما نباید بیش از این اینجا بمانید؛ عزل شما
از جانب سزار صادر شده. پس بشنوید این را، آنتونی.
احضاریه فولویا؟ از آن سزار، من می‌گویم —
هر دو؟

قاصدها را فرا بخوان.^۴ همان طور که من [به یقین] ملکه مصرم،
تو [نیز به یقین] سرخ شده‌ای، آنتونی، و آن [دویدن] خون تو
نشانه رعیتی سزار است،^۵ مگر اینکه [بگویم] گونه تو دچار شرم می‌شود
وقتی فولویای تلخ زبان ملامت می‌کند.^۶ قاصدها!^۷

۱. Fulvia Flacca Bambula، همسر قانونی آنتونی، زنی اشرافی از زنان در روم باستان. فولویا به شدت درگیر سیاست بود و نقش مهمی در جنگ پروسین علیه اکتاوین داشت. آنتونی سومین شوهر او بود و با اینکه به دلیل مشارکت در امور آنتونی مشهور است، اما صرف نظر از این، شخصیت مهم و تأثیرگذاری در روم باستان بوده است. پلوتارک یا پلوتارخوس (حدود ۴۶-۱۲۷ میلادی)، تاریخ‌نگار برجسته یونان باستان، در مورد فولویا می‌نویسد زنی نبوده که مقید به امور خانه‌داری آنتونی باشد، تحت امر او نیز نبوده، و بلکه به آنتونی فرمان هم می‌داده است.

۲. اشاره به اکتاویوس سزار که بعدها به عنوان امپراتور آگوستوس شناخته شد. (نخستین رویارویی غیرمستقیم با اکتاویوس و حضور او در نمایشنامه) اکتاویوس در آن زمان بسیار جوان بود و در واقع هنوز ریش چندانی روی صورتش ننشسته بود. (در این زمان اکتاویوس ۲۳ سال داشت و آنتونی ۴۳ سال) کلئوپاترا با به کار بردن صفت «کم‌ریش» از طرفی سزار را مورد تمسخر قرار می‌دهد.

ناگفته نماند که «scarce-bearded» نشان‌دهنده انحراف جنسی نیز هست؛ هم چالشی برای مردی و مردانگی و هم اشاره‌ای به گرایش کتیمایت (هم‌جنس‌گرایی).

۳. بیشتر به معنای «والا به مرگ محکومت خواهیم کرد.»

Fulvia perchance is angry. Or who knows
If the scarce-bearded Caesar have not sent
His powerful mandate to you: "Do this, or this;
Take in that kingdom, and enfranchise that.
Perform 't, or else we damn thee."

ANTONY How, my love?

CLEOPATRA Perchance? Nay, and most like.

You must not stay here longer; your dismissal
Is come from Caesar. Therefore hear it, Antony.
Where's Fulvia's process? Caesar's, I would say—
both?

Call in the messengers. As I am Egypt's queen,
Thou blushest, Antony, and that blood of thine
Is Caesar's homager; else so thy cheek pays shame
When shrill-tongued Fulvia scolds. The messengers!

۴. هرچند یک قاصد با آنتونی سخن می‌گوید، اما گفتهٔ کلئوپاترا (و هم کمی بعد که می‌گوید «قاصدها!») نشان می‌دهد که تعداد قاصدها بیشتر از یک نفر بوده است.

۵. از نوع آنچه در رابطهٔ فنودالیستی اروپایی میان صاحبان املاک و زیرستان آن‌ها وجود داشت.
۶. نپذیرفتن قاصدها توسط آنتونی فرصتی در اختیار کلئوپاترا می‌گذارد که زیرکانهٔ هم سزار و رابطهٔ آنتونی با او را به تمسخر بگیرد و هم فولویا را از تحقیر و توهین بی‌نصیب نگذارد. تغییر خطاب کلئوپاترا در «شما» و «تو» و استفاده از ضمیر مفرد یا جمع در گفت‌وگو با آنتونی نیز تعمدی‌ست و ریشه در تیزبینی‌ها و طنازی‌های کلئوپاترا دارد.

۷. قاصدها را فرامی‌خواند.

آنتونی

بگذار روم در تیر^۱ غرق شود و طاق عظیم^۲
امپراتوری آراسته فروغلتد. جای من اینجاست.^۳
قلمرو پادشاهی‌ها خاک‌اند. زمین آلوده ما یکسان
حیوان را همچون انسان می‌خوراند. اصالت زندگی
این است که چنین کنند؛^۴ وقتی جفتی چنین همساز
و چنین دونفری می‌توانند این‌گونه کنند، من تعهد می‌کنم در این،
به [پذیرش] رنج مجازات، دنیا گواهی می‌کند
ما بی‌همتاییم.^۵

کلئوپاترا

دروغ‌گویی عالی!^۶
چرا با فولویا ازدواج کرد و [درحالی‌که] او را دوست نداشت؟
من آن ابله به نظر می‌آیم [که] نیستم. آنتونی [اما]
خودش خواهد بود.^۷

آنتونی

اما دگرگون‌شده با کلئوپاترا.^۸
اکنون محض خاطر عشق^۹ و ساعات دل‌نشیش،
نگذار فرصت را با گفت‌وگوهای ناگوار تلف کنیم.
لحظه‌ای از زندگی‌های ما نباید باشد که صرف شود
اینک بدون عیش و عشرتی.^{۱۰} امشب چه مشغولیت خواهیم داشت؟

۱. Tiber، سومین رود طولانی ایتالیا و یگانه آبراه شهر رم. رود تیر شهرت و جایگاهی افسانه‌ای دارد. در برخی نوشته‌ها آمده است که چون پادشاه افسانه‌ای، تیرینوس سیلویوس، در آن غرق شد، نام این رود از آلبولا به تیر تغییر یافت. همچنین این رودخانه را خدایی می‌پنداشتند به نام تیرینوس.
۲. قلمرو امپراتوری پنهان روم عموماً به شکل طاقی عظیم تصویر می‌شده است. بنابر گفته سامونل جانسون (۱۷۸۴-۱۷۰۹) می‌تواند ساختاری محکم بر روی ستون‌ها هم موردنظر باشد.
۳. براساس گفته برخی مفسرین، منظور آنتونی آغوش کلئوپاتراست و به آغوش او اشاره می‌کند. می‌تواند اشاره‌ای هم باشد به نمایشنامه دیدو ملکه کارتاژ، اثر کریستوفر مارلو (۱۵۹۳-۱۵۶۴) شاعر و نمایشنامه‌نویس برجسته انگلستان. دیدو که سخت دل‌باخته آنتیاس، قهرمان تروآ، است، بعدها به او خیانت می‌کند، آغوش خود را مامن و منزلگاه او می‌خواند و می‌گوید آغوش او همان آرامشی‌ست که آنتیاس به دنبالش می‌گردد.
۴. کلئوپاترا را در آغوش می‌گیرد و او را می‌بوسد.

ANTONY Let Rome in Tiber melt and the wide arch
Of the ranged empire fall. Here is my space.
Kingdoms are clay. Our dungy earth alike
Feeds beast as man. The nobleness of life
Is to do thus; when such a mutual pair
And such a twain can do 't, in which I bind,
On pain of punishment, the world to weet
We stand up peerless.

CLEOPATRA Excellent falsehood!
Why did he marry Fulvia and not love her?
I'll seem the fool I am not. Antony
Will be himself.

ANTONY But stirred by Cleopatra.
Now for the love of Love and her soft hours,
Let's not confound the time with conference harsh.
There's not a minute of our lives should stretch
Without some pleasure now. What sport tonight?

۵. آنتونی می‌گوید در برابر هر تنبیه و مجازاتی تعهد می‌کند و شرط می‌بندد که دنیا می‌داند و گواهی می‌کند که جفتی همتای او و کلئوپاترا وجود ندارد.

۶. برخی مفسرین بر این باورند که این گفته کلئوپاترا و سه سطر بعد 'گفت‌وگو با خود است. اما می‌تواند خطاب به آنتونی هم باشد؛ اظهاراتی آزاددهنده و تحریک‌کننده در قبال آنتونی. بخشی از مبارزه فردی میان آنتونی و کلئوپاترا برای غالب شدن و برتری روانی. درهم‌شکستن هیمنه آنتونی و پردازش یک آنتونی دلخواه جدید!

۷. همانی خواهد بود که بوده. تغییری نکرده و حالا دارد خودش را به‌گونه‌ای دیگر جلوه می‌دهد. می‌تواند هم این‌گونه تعبیر شود آن‌که ابله است، آنتونی ست. (نه من)

۸. آنتونی سخنش را ادامه می‌دهد. (اینکه جفتی بی‌همتا هستند...)

۹. با توجه به اینکه «Love» به حرف بزرگ نوشته شده، برخی آن را اشاره به ونوس، ایزدبانوی رومی عشق و زیبایی و میل جنسی، دانسته‌اند.

۱۰. نخستین اشاره به چیزی که آن‌ها را به هم پیوند می‌دهد.

کلئوپاترا
آنتونی

شنیدنِ سفیران.

اوف، ملکه ستیزه‌گر،

که همه چیزش زینده می‌شود — سرزنش کردن، خندیدن،

گریه کردن؛ هر حال و هوایش یکسره در تلاش است

که بنماید خودش را، در تو، زیبا و پسندیده!

هیچ قاصدی مگر از آن تو، و خودمان تنها

امشب پرسه خواهیم زد در گذرگاه‌ها و تماشا می‌کنیم

احوال مردم را.^۱ بیا، ملکه من،

دیشب شما همین را میل داشتید. (به قاصدها.)

با ما سخن نگوئید.

(آنتونی و کلئوپاترا به همراه ملازمان بیرون می‌روند.)

دمتریوس

آیا قدر و مرتب سزار نزد آنتونیوس این همه ناچیز است؟

فیلو

قربان، گاهی اوقات وقتی که او آنتونی نیست

بسیار تنزل می‌کند از آن جاه و جلالِ عظیم

که همواره باید ملازم آنتونی باشد.^۲

دمتریوس

من به غایت متأسفم

که او صحنه می‌گذارد بر [گفتار] مردمان دونی که

صحبت می‌کنند از او در روم؛ اما امید دارم

به رفتاری نیکوتر فردا. خوش باشید.

(بیرون می‌روند.)

۱. بنابر پلوتارک نورت کلئوپاترا سعی می‌کرد در هیچ موقعیتی آنتونی را تنها نگذارد و برای او تفریحات و سرگرمی‌های متفاوتی فراهم می‌کرد. گاهی اوقات هم، وقتی آنتونی در لباس مبدل به درون شهر قدم می‌گذاشت و به کلبه‌ها و دکه‌های مردم مستمند سرکشی می‌کرد، با او همراه می‌شد و در کنار آنتونی از کوچه‌ای به کوچه دیگر می‌دوید.

CLEOPATRA Hear the ambassadors.

ANTONY Fie, wrangling queen,
Whom everything becomes—to chide, to laugh,
To weep; whose every passion fully strives
To make itself, in thee, fair and admired!
No messenger but thine, and all alone
Tonight we'll wander through the streets and note
The qualities of people. Come, my queen,
Last night you did desire it. *To the Messenger.*
Speak not to us.

Antony and Cleopatra exit with the Train.

DEMETRIUS Is Caesar with Antonius prized so slight?

PHILO Sir, sometimes when he is not Antony
He comes too short of that great property
Which still should go with Antony.

DEMETRIUS I am full sorry
That he approves the common liar who
Thus speaks of him at Rome; but I will hope
Of better deeds tomorrow. Rest you happy!

They exit.

۲. آنتونیوس زمانی سردار بزرگ قیصر بود، با جایگاهی رفیع. فیلو می‌گوید وقتی آنتونی در شخصیت درست و واقعی‌اش نیست، و به چیز دیگری - در کنار کلئوپاترا - تبدیل شده، از جایگاه باارزشی که زینده‌اوست و باید آن‌چنان باشد، بسیار دور می‌شود.

صحنه ۱۲

(انوباربوس، لامپریوس، یک طالع‌بین، رانیوس، لوسیلیوس،

کارمین، آیریس، ماردیانِ خواجه‌سرا، الاکسیس

و خدمتکاران وارد می‌شوند.)

کارمین

جناب الاکسیس، الاکسیسِ نازنین، الاکسیسِ همه‌فن‌حریف،

الاکسیسِ تمام‌وکمال،^۱ کجاست آن

طالع‌بینی که آن‌همه تمجیدش می‌کردید نزد ملکه؟ او، اینکه

می‌خواهم بشناسم آن شوهر را که شما می‌گفتید می‌باید بگذارد

شاخ‌های قُرماساقی با حلقهٔ گُلش را!^۲

الاکسیس

طالع‌بین!

چه فرمایش دارید؟

طالع‌بین

این همان شخص است؟— شما هستید، آقا، که چیزها را می‌داند؟

کارمین

در کتاب بی‌حد و حصر اسرار طبیعت

طالع‌بین

من اندکی می‌توانم بخوانم.

(به کارمین.) دستت را به او نشان بده.

الاکسیس

(به خدمتکاران.)

انوباربوس

۱. صحنه ۱ قصر کلئوپاترا، اتفاقی دیگر، روز بعد. طالع‌بین برای خدمتکاران کلئوپاترا طالع‌بینی می‌کند و یکدیگر را به طالع‌شان تمسخر می‌کنند. کلئوپاترا در حالی که سراغ آنتونی را می‌گیرد، وارد می‌شود، اما آنتونی با قاصدی در حال گفت‌وگوست. قاصد^۱ از تپانی فولویا، همسر آنتونی، و لوسیوس، برادر آنتونی، علیه سزار خبر می‌آورد، و اینکه آن‌ها در جنگ با سزار شکست خوردند. همچنین اخباری از آنچه دربارهٔ آنتونی و کلئوپاترا در روم گفته می‌شود. قاصد دیگری خبر از مرگ فولویا می‌آورد. آنتونی به‌دلیل شرایط روم و خطری که از ناحیهٔ سیکستوس پمپئوس احساس می‌کند، تصمیم می‌گیرد مصر و کلئوپاترا را ترک کند و به روم برگردد.

Scene 2

*Enter Enobarbus, Lamprius, a Soothsayer, Rannius,
Lucillius, Charmian, Iras, Mardian the Eunuch, Alexas-
, and Servants.*

CHARMIAN Lord Alexas, sweet Alexas, most anything
Alexas, almost most absolute Alexas, where's the
soothsayer that you praised so to th' Queen? O, that
I knew this husband which you say must charge
his horns with garlands!

ALEXAS Soothsayer!

SOOTHSAYER Your will?

CHARMIAN Is this the man?—Is 't you, sir, that know things?

SOOTHSAYER In nature's infinite book of secrecy
A little I can read.

ALEXAS , to *Charmian* Show him your hand.

ENOBARBUS , to *Servants*

۲. کارمیین به گونه‌ای مبالغه‌آمیز سخن می‌گوید.

۳. این باور بوده زنانی که به شوهران خود خیانت می‌کنند و درواقع شوهرانی قواد و قُرمساق دارند، شوهر باید شاخی تزیین شده با گل بر سر بگذارد. و طالع‌بین به کارمیین گفته بود که شوهر می‌کند و به شوهرش خیانت خواهد کرد. حالا کارمیین از الاکسیس می‌خواهد از طالع‌بین بخواهد شوهری را که برایش طالع‌بینی کرده، نشانش دهد.

- زود غذا و شراب^۱ بیاورید، شراب کافی
که به سلامتی کلئوپاترا نوشیده شود.
- کارمین (دستش را به طالع‌بین می‌دهد.) آقای گرامی،
بخت‌واقبالی خوش به من بدهید.
- طالع‌بین من [بخت‌واقبالی] مهیا نمی‌کنم، فقط پیش‌گویی می‌کنم.
کارمین پس بکنید، یکی برایم پیش‌گویی کنید.
- طالع‌بین شما بسیار خوب‌تر خواهید بود از آنچه [اکنون] هستید.
کارمین منظورش تن و بدن من است.^۲
- آیریس نه، شما باید بزرگ کنید وقتی پیر می‌شوید.^۳
- کارمین چین و چروک ممنوع!
الاکسیس پیش‌گویی‌اش را خراب نکن. توجه کن.
کارمین ساکت.
- طالع‌بین بیشتر دل‌داده خواهید بود تا دلدار.^۴
- کارمین بیشتر ترجیح می‌دهم جگرم را با نوشیدن گرم کنم.^۵
الاکسیس نه، گوش کن به او.
- کارمین وای، حالا یک پیش‌گویی عالی! بگذار
ازدواج کنم با سه پادشاه در چاشت، و بیوه شوم
به همه آن‌ها. بگذار کودکی داشته باشم در پنجاه‌سالگی
که هرود یهودیه^۶ چه‌بسا به او کرنش کند. ببینید برایم که ازدواج می‌کنم
-
۱. Banquet، عموماً به شراب و میوه و شیرینی گفته می‌شده است.
۲. Fairer، منظور طالع‌بین 'خوشبخت‌تر، مساعدتر و ... است، اما کارمین (شاید به‌عمد) گفته طالع‌بین را به شکل و شمایل ظاهری و چاق شدن و ... تعبیر می‌کند.
۳. چین و چروک‌ها و افتادگی پوست صورتان را با آرایش و بزرگ‌پوشانید.
۴. پیش‌گویی‌ای معماگونه از مرگ کارمین به‌واسطه عشق و علاقه او به بانویش، چیزی که او را محروم می‌کند و باز می‌دارد از هر عشق زمینی.
۵. بیشتر ترجیح می‌دهم دلم را با شراب گرم کنم تا با عشق. در گذشته بر این باور بودند که جگر (کبد) مرکز همه احساسات و عواطف است. همان تصور نمادین که امروزه در مورد قلب وجود دارد.

Bring in the banquet quickly, wine enough
Cleopatra's health to drink.

CHARMIAN *giving her hand to the Soothsayer* Good sir,
give me good fortune.

SOOTHSAYER I make not, but foresee.

CHARMIAN Pray then, foresee me one.

SOOTHSAYER You shall be yet far fairer than you are.

CHARMIAN He means in flesh.

IRAS No, you shall paint when you are old.

CHARMIAN Wrinkles forbid!

ALEXAS Vex not his prescience. Be attentive.

CHARMIAN Hush.

SOOTHSAYER You shall be more loving than beloved.

CHARMIAN I had rather heat my liver with drinking.

ALEXAS Nay, hear him.

CHARMIAN Good now, some excellent fortune! Let me
be married to three kings in a forenoon and widow
them all. Let me have a child at fifty to whom Herod
of Jewry may do homage. Find me to marry me

۶. Herod of Jewry. (زادهٔ ۷۴-۷۳ پیش از میلاد)، هرود (هرودیس) بزرگ پادشاه یهودیه از جانب
امپراتوری روم بود. بزرگی او به قدری بود که او را آگوستوس یهودیه خوانده‌اند. هرود حکومتی
استبدادی بر پایهٔ نظم در یهودیه برقرار کرد و امتیازاتی را برای یهودیان وضع کرد.
بر اساس انجیل متی، پس از زاده شدن عیسی، سه مُغ (در تاریخ از آن سه به عنوان سه ایرانی نیز نام برده شده)
به دیدار هرودیس آمدند تا دربارهٔ خبر زاده شدن پادشاه یهود از او پرسش کنند، چراکه اخترویی را در شرق
دیده بودند. هرود پیش از آن شنیده بود که کریستوس یا مسیح یهودیان در بیت لحم یهودیه زاده می‌شود؛
پس مردان مُغ را به بیت لحم فرستاد و از آن‌ها خواست که هرگاه آن بچه را یافتند، به وی خبر دهند؛ اما آن‌ها
چنین نکردند. (بر اساس انجیل، هرود همهٔ نوزادان پسر زیر دو سال را در بیت لحم کشت.)
کلتوباتر تلاش کرده بود هرود را (که هم‌عصر او بود) مجذوب خویش کند. اشاره کارمیین به هرود بزرگ و
فرزندی که هرود گردن به فرمان او بگذارد، با خلق و خوی کارمیین و لذت‌گرایی سرزنده‌اش سازگار است.